

در جلسهٔ سیمایی صراف با نمایندگان تشکل ها چه گذشت ؟

وزیر برای تشکل ها ۱۰ دقیقه وقت داشت

زهرارضائی- پریا ناصری گروه دانشگاه

اتحادیه‌های دانشجویی برای دومین بار از روی کار آمدن دولت چهاردهم، با حسین سیمایی صراف، وزیر علوم جلسه داشتند. دیداری که این بار به بهانه ماه مبارک رمضان برگزار شد تا بار دیگر فعالان تشکل‌های سیاسی دانشگاه، فرصتی برای بیان دیدگاه‌هایشان در حوزه آموزش عالی پیدا کنند. در دیدار عصر چهارشنبه گذشته هر مجموعه از زاویه نگاه خود به مسائل دانشگاه و دانشجویان



پیام سپهوند، دبیر آموزش اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان با بیان اینکه صحبت‌های ما روی دو محور متمرکز بود، گفت: «موضوع اصلی ما بحث دانشجوی دانشگاه تهران بود که در جریان سرفت از دنیا رفته بود. در همین راستا از وزیر علوم تشکر و قدردانی ویژه‌ای کردیم، دلپیش هم آن بود که وزیر شخصاً به این موضوع ورود کرده و باعث شد تا پروژه‌های امنیتی نظیر سال ۱۴۰۱ شکل نگیرد؛ چراکه واقعاً هم هدف همین مسئله بود. دیدیم که وزیر شخصاً در بین دانشجویانی که برای این موضوع ناگوار اعتراض داشتند، حضور پیدا کرد.» او با بیان اینکه جامعه اسلامی دانشجویان تنها تشکلی است که بسیار روی موضوع هوش مصنوعی تأکید دارد، ادامه داد: «درواقع تشکل ما طی جلساتی که اوایل سال تحصیلی با وزیر برگزار شد به موضوع هوش مصنوعی پرداخت. این بار نیز در جلسه‌ای که هفته گذشته با دانشجویان برگزار شد، مطالبه‌مان آن بود که راهبردها، اهداف و برنامه‌هایشان برای این حوزه را به صورت دقیق مشخص کنند. وزیر نیز در جواب گفت برنامه قطعی و مدونی دارد. حتی وزیر علوم اعلام کرد قرار است حدود ۲

تسا ۲ هزار و ۵۰۰ بورس خارجی برای هوش مصنوعی و علم کوانتوم برای دانشجویان کشور اختصاص پیدا کند.»

سپهوند درباره فضای جلسه اخیر وزیر علوم با دانشجویان گفت: «درواقع برگزاری چنین جلساتی با وزیر علوم اقدام مثبت و پریازدهی است. برایند من از جلسه به صورت کلی مثبت بود و وزیر علوم هم سعی داشت به همه سوالاتی که تشکل‌ها بیان می‌کردند به صورت جامع پاسخ دهد. نکته حائز اهمیت اینکه جلسه به دو بخش یعنی بخشی برای تشکل‌ها و بخش دیگر برای کانون‌ها تقسیم شده بود. این راه باید بگیریم که جلسات گذشته به دلیل اینکه در زمان‌های یکسدن برگزار می‌شد، باعث بروز برخی تداخلات و اختلاف‌نظرهایی می‌شد.» او در همین زمینه خاطرنشان کرد: «کانون‌ها و تشکل‌ها از حیث راهبرد و گفتمان چندان ارتباطی با یکدیگر ندارند و عملاً حضور آن‌ها در یک جلسه باعث بروز اختلاف‌نظرهایی می‌شد، اما در این جلسه کانون‌ها از تشکل‌ها جدا شده بودند و این ایده خوبی بود که از سوی وزارت علوم دنبال شد. همین مسئله باعث شد آن تشکل‌ها راهبرد نزدیک به یکدیگر دارند در یک ساعت و کانون‌ها هم که ماهیشتان جداست در یک ساعت دیگری با وزیر جلسه داشته باشند و این برایند خوبی بود.»

وزیر علوم به دنبال بازی‌های سیاسی و نمایش‌های رسانه‌ای است

نه انگیزه‌ای برای کار دارند و نه کسی مسئولیت جدیدی را می‌پذیرد. این وزارتخانه، با این حجم از بلاکنلفی چگونه می‌خواهد کشور را به قله‌های علم و فناوری برساند؟» او با بیان این جمله که روح نگاه وزارت علوم به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در دانشگاه‌ها از نکات دیگر مورد بحث بود، افزود: «امروزه این فعالیت‌ها صرفاً به‌عنوان فرقی‌برنامه تلقی می‌شود و تنها چیزی که اهمیت دارد، کلاس درس، حل تمرین و تحویل پروژه‌های درسی است. حتی دانشجویان را مجبور می‌کنند که وقت نماز و ناهار را در کلاس‌های رفع اشکال بگذرانند! از سوی دیگر، با توجه به تهام فرهنگی بی‌امان دشمنان، خصوصاً علیه جریانان این مرز و بوم، وضعیت فرهنگی دانشگاه‌های ما در حالت «رهاشدگی» قرار دارد. آیا هیچ راهبردی با برنامه‌ی کلانی برای برزن رفتن از این وضعیت تعریف شده است؟ مسئول پاسخ دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی (ره) درباره چگونگی برگزاری جلسه توضیح داد: «به‌طور کلی، وزیر علوم دیر به جلسه آمد و فرصت کافی برای بیان نظرات تشکل‌های دانشجویی فراهم نشد. معمولاً این‌گونه جلسات حداقل دو تا سه ساعت طول می‌کشد، اما در این جلسه، هر تشکل تنها پنج دقیقه برای طرح پرسش‌های خود فرصت داشت. در مقابل، وزیر علوم و دو نفر از معاونانشان (معاون فرهنگی و معاون مالی) مجموعاً طی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به دو یا سه سؤال پاسخ دادند و در نهایت با این استدلال که «وقت افطار است و بعد از افطار هم جلسه‌ای دیگر داریم»، جلسه را به پایان رساند. لویی افزود: «به نظر می‌رسد یا وزیر علوم برنامه‌ریزی درستی برای این جلسه نداشت که هم دیر آمد و هم زود رفت، یا حداقل به پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانشجویان نداشت. البته، در ماه‌های آینده فرصت اندک، پاسخ‌های وزیر علوم به سوالات، تقریباً همان موضوعاتی بود که نماینده بسیج دانشجویی نیز به آن‌ها اشاره کرده بود. در نهایت، فضای جلسه در حال و هوای این نگرانی سپری شد که تشکلی بیش از پنج دقیقه صحبت نکند و بلافاصله نوبت به نفر بعد برسد.» او با بیان این موضوع که دانشجویان دیدگاه‌های متفاوتی داشتند، گفت: «برخی سوالات مشترک بود، برخی دیگر به دلیل تفاوت نگاه سیاسی تشکل‌ها، متناقض به نظر می‌رسید که طبیعی است. اما آنچه بیش از همه در این جلسه به چشم می‌آمد، هجوم دوربین‌ها، خبرگزاری‌ها و تجهیزات رسانه‌ای برای تولید کلیپ‌های پرزرق‌و‌برق برای صفحه‌ی اینستاگرام وزیر علوم بودا به نظر می‌رسد که وزارتخانه، نه به دنبال راهکار و دستاوردی برای تعیین یا اصلاح مسیر است، نه دغدغه‌های برای شنیدن نظرات دانشجویان دارد. گویسی وزیر علوم بیش از آنکه به کار واقعی در میدان علم و فناوری توجه داشته باشد، در پی بازی‌های سیاسی و نمایش‌های رسانه‌ای است.»

عینک وزارت علوم برای سیاستگذاری مشخص نیست

را می‌سازد. وقتی وارد دانشگاهی می‌شویم که کنش‌های داخل انجمن‌های علمی آن از این جنس است، رفته رفته فضایی را ایجاد می‌کند که روی دانشجوی نوورود نیز اثر می‌گذارد و او هم آمیبد و دغدغه‌ای برای اینکه تغییری ایجاد کند، ندارد. عضو شورای مرکزی عدالتخواه دانشجویی تصریح کرد: «در این میان با پدیده‌ای به نام تشکل دانشجویی و فضایی به نام جنبش دانشجویی مواجه‌ایم که ماهیت اجتماعی سیاسی، کارکرد مطالبه‌گرانه و یک کار ویژه مبتنی بر آسیب‌شناسی از مسیر حرکت کشور دارند. از آنجایی که آن‌ها کارکرد خودشان را مواجهه با مسائل کشور و حرکت دادن به مسیر کشور می‌دانند، امیدی در فعالیت آن‌ها برای تغییر در فضای سیاسی نهفته است. یعنی از این وجه که نوع مواجهه تخصصی آن‌ها با مسائل کشور، اقطاعی از امر علمی ندارد. همین مسئله باعث می‌شود تا جنس تشکل‌های دانشجویی تفاوت ماهوی با اتمسفر کلی دانشگاهی داشته باشد.»

سیدنازاد افزود: «جریان دانشجویی چند ویژگی داشته است. اول اینکه نوع مواجهه او کارویژه‌ای که دارد، اقطاعی از خبر عمومی نداشته و به تلاش است. برای اینکه تغییری در فضای کشور ایجاد کند و به مسیر حرکت کشور جهت دهد. همچنین نوع حرکتی که انجام می‌دهد با علم نیز بیگانه نیست. نکته سوم آن است این اتمسفر امثال خوش را بازتولید می‌کند. یعنی اگر بتواند در بهترین حالت خودش عمل کند، یک بسستر در دانشگاه ایجاد می‌کند تا آن امیدی که بتوان کشور را یک قدم به جلو بربرد، در آن وجود دارد.» او با بیان اینکه فضا را این‌گونه می‌بینم که در رابطه دوسویه بین رونق داشتن جنبش

پاسخ‌های وزیر قانع‌کننده نبود



علی رضا اکبریان، دبیر واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل با بیان اینکه موضوع کلان امیدآفرینی که از ضروریات سخنان مقام‌معلم‌رهبری است را مه‌ددا یادآوری کردیم، گفت: «عنوان کردیم یکی از ضروریات پیشرفت کشور این است که دانشجویان و جوانان که به عنوان قشر نخبه در دانشگاه‌ها محسوب می‌شوند باید به آینده کشور امید داشته باشند؛ چراکه اگر این امید وجود نداشته باشد هدف دانشجوی برای علم‌آموزی و رفتن به دانشگاه، مهاجرت خواهد بود که هیچ نفعی برای کشور نخواهد داشت.» او با بیان این موضوع که وزرای دولت جدای از مهم‌داشتن موضوع امید در دانشجویان وظایف دیگری هم دارند بیان کرد: «درحقیقت وزرای دولت به جای اینکه فقط مشکلات را بیان کنند باید از دستاوردها و موفقیت‌های کشور هم سخن بگویند. همچنین گفتیم وزارت علوم در کنار مسائل مهم دیگری که دارد باید به بحث امیدآفرینی در میان جوانان و دانشجویان بپردازد.»

دبیر واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل تصریح کرد: «در این جلسه دو مسئله را مطرح کردیم. اولین رویکرد این بوده که اساستید و مسئولان دانشگاهی باید در کلاس‌های درسی و صحبت‌هایشان موضوع امیدآفرینی را بیان کنند؛ چراکه متأسفانه می‌بینیم برخی اساستید در دانشگاه‌های مطرح به جای اینکه دستاوردهای کشور را بیان کنند و امید و خودباوری را در میان دانشجویان رواج دهند و آن‌ها را برای درس خواندن در جهت موفقیت کشور امیدوار کنند؛ مدام از جملات مایوس‌کننده و مهاجرت سخن می‌گویند که موجب می‌شود تنها هدف دانشجویان از رفتن به دانشگاه مهاجرت به خارج از کشور شود.»

اکبریان افزود: «همچنین بحث سسو مدیریت سرپرست دانشگاه تهران را در فرت امیرمحمد خاقلی بیان کردیم که با سخنانش جو مایوس‌کننده‌ای را برای دانشجویان رقم زد. درواقع جدای از انتخاب اساستید، وزارتخانه باید فردی را برای سرپرستی دانشگاه‌ها برگزیند که توان مدیریتی داشته و به آینده کشور امیدوار باشد. به عبارتی باید کسانی را به عنوان اساستید، رؤسا و اعضای هیئت علمی دانشگاه انتخاب کنیم که مایوس نباشند و در زمینه‌های مختلف کشور از جمله علم بن‌بست انگاری انجام ندهند.» او اظهار داشت: «مسئولان جدای از وظایف فردی که دارند نمی‌توانند اختراعات و دستاوردهای بین‌المللی دانشگاه‌های سطح یک کشور که روزانه و هفتگی در زمینه‌های مختلف مهندسی، پزشکی و بخش‌های مختلف علمی تولید می‌شوند را برای دانشجویان همان دانشگاه بیان کنند، یعنی باید بحث جهاد تبیین و امیدآفرینی را در خود دانشگاه‌ها داشته باشند. تا به حال دیدیم چنین دستاوردهایی از طریق فضای مجازی برای عموم مردم بیان شده اما افرادی که داخل دانشگاه هستند به این موضوع باور ندارند.»

دبیر واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل با بیان این موضوع که دخیل کردن و هویت دادن به دانشجویان برای بحث ارگنداری یکی از رویکردها برای ایجاد بحث‌های امیدآفرینی است، تصریح کرد: «یکی دیگر از عوامل خودباوری و امیدآفرینی این است زمانی که دانشجویان حضور مجموعه‌های دانشجویی مختلف مانند تشکل‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی و کانون فرهنگی می‌شوند، به واسطه مطالبات و فعالیت‌های علمی و پژوهش‌هایی که انجام می‌دهند به دستاوردهایی می‌رسند که خودشان را تأثیرگذار می‌بینند. در اینجا هم نقش وزارت علوم مهم است که به این مجموعه‌ها اهمیت دهد تا دانشجویان در



مجتبسی منگلی، دبیر دفتر تحکیم وحدت با بیان این مطلب که رویکرد ما در جلسه با وزیر علوم‌حول دو محور فضای فرهنگی و بحث علمی در دانشگاه بود، گفت: «نکته اول اینکه فضای فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها وضعیت مطلوبی ندارد. به عبارتی فضای خوابگاه‌ها از جهت مسائل و آسیب‌های فرهنگی در وضعیت مناسبی قرار ندارند. سؤالی که پرسیده شد این بود که وزارت علوم برای حل مسائل فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها چه راهبردهای اصلی دارد؟ درخصوص بحث تشکل‌ها هم نکته‌ای که بیان شد این بود که معاونت فرهنگی در دانشگاه‌ها یک مشی موازی‌کاری با تشکل‌ها را دنبال می‌کند که موجب وارد شدن ضربه به فضای تشکلی و تضعیف آن می‌شود.»

او ادامه داد: «هم‌طور مثال معاونت فرهنگی در دانشگاه‌ها اردوهای پرهزینه‌ای را برای دانشجو‌ها وورودی‌های جدید برگزار می‌کند که موازی‌کاری جدی با کار تشکلیات در دانشگاه محسوب می‌شود. ضمن اینکه سوالاتی که درباره برنامه‌های وزارت علوم درباره تآکیدات مقام‌معلم‌رهبری روی نیر‌های کشور به جهش‌های علمی پرسیده شد.»

دبیر دفتر تحکیم وحدت اظهار داشت: «یکی از نکاتی که در جلسه مورد بحث قرار دادیم موضوع کشته‌شده شدن امیرمحمد خاقلی بود که نیازمند پیگیری و ارائه برنامه‌ای برای حل این مسئله از طرف دانشگاه داشت که می‌توانست به بحران اجتماعی تبدیل شود. درواقع سرپرست دانشگاه تهران به جای آرز کردن فضا طی اقداماتی نادرستی می‌خواست به فضای میجانی وسهل‌انگیزانه دامن بزند. همچنین بیشتر سخنان و نکات وزیر علوم هم پیرامون قتل دانشجوی دانشگاه تهران صورت گرفت و به دلیل کمبود زمان به بسیاری از سوالات پاسخ داده نشد.»

منگلی با بیان اینکه فضای این‌گونه جلسات بعضا حسن‌مطلوبی را ایجاد می‌کند، گفت: «یعنی هرچه این بیشتر باشد، امید هم بیشتر و در مقابل هرچه ريوخت در فضای دانشگاهی بیشتر باشد، امید هم کمتر خواهد بود. وزارت علوم هم در جایگاهی است که می‌تواند با سیاستگذاری روی این‌ها ارگزار باشد. درحقیقت اگر کارکرد نهاد علم را معطوف به ایجاد یک تغییر در ریل حرکت کشور به سمت آینده می‌دانیم و قائل به این هستیم که باید کارکرد دومی که نهاد علم دارد را ایجاد کند، نمی‌توانیم از جریان دانشجویی گذشته و آن را به چشم یک مستحب خوب نگاه کنیم بلکه این است که جریان دانشجویی در کشور از رونق برخوردار باشد.»

سیدنازاد با بیان اینکه وزارت علوم برای اینکه بخواهد به کارکرد دوم برسد باید از وضعیت جنبش دانشجویی در کشور آسیب‌شناسی داشته باشد، گفت: «تصورى که ما داریم آن است که چه در این دولت و چه در دولت‌های قبلی، ماهیتا این حس و زاویه دید نسبت به جریان دانشجویی وجود ندارد و این مسئله فرایطبی است. معتقدم یکی از مهم‌ترین مسائلی که جریان جنبش دانشجویی را تهدید می‌کند، زیرسؤال رفتن این جریان توسط عوامل داخلی و بیرونی دانشگاه است. یعنی دو مسئله کلان در این زمینه داریم؛ یکی سرکوب و دیگری هم جهت‌دهی و محدود کردن کنش تشکل‌ها.»

عضو شورای مرکزی جنبش عدالتخواه دانشجویی تصریح کرد: «وضعیت از قبل آمدن حضور سیمایی به وزارت علوم و رویکرد نسبت به تشکل‌ها تفاوت چندانی نکرده و این مسئله برای متولیان امر اهمیتی ندارد. درمجموع سؤال ما این بود که برنامه وزیر علوم برای مواجهه با این سنسله چیست؟ البته این را

بسترهای مختلف فعالیت کنند.»

اکبریان بیان داشت: «یکی از عوامل مثبتی که موجب می‌شود دانشجویان در کشور بمانند و برای موفقیت کشور تلاش کنند همین تشکل‌های دانشجویی است که رابطه بسیار خوبی با مردم و دولت دارند. همچنین سوالاتی را هم پرسیدیم مبنی بر اینکه وزارت علوم برنامه‌ای برای بحث امیدآفرینی به مورد تأکید هر ساله رهبری است، دارد یا خیر؟ برای بحث اهمیت‌دهی به تشکل‌ها و فعالیت‌های دانشجویی هم برنامه‌ای دارد یا خیر؟ او با بیان این جمله که موضوع سوم‌مدیریت سرپرست دانشگاه تهران از موضوعات مطرح شده همه تشکل‌های دانشجویی به‌عنوان کرد: «با وجود اینکه ماجرای رخ داده ناشی از عملکرد ضعیف ریاست دانشگاه، امور خوابگاهی و نیروی انتظامی بود اما سرپرست دانشگاه به جای اینکه فضای دانشگاه را آرام کند به برافروخته شدن و متشنج کردن فضا پرداخت و قطعاً اگر به‌موقع به ماجرا رسیدگی نمی‌شد ممکن بود به بحران جدیدی‌رای کشور تبدیل شود. از این رو این سؤال مطرح شد که چرا سرپرست دانشگاه توانست چنین قضیه‌ای را حل کند تا اینکه وزیر علوم شخصاً وارد کار شد.»

دبیر واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل درباره پاسخ وزیر علوم پیرامون موضوع امیدآفرینی توضیح داد: «وزیر علوم عنوان کرد برنامه‌ای برای موضوع امیدآفرینی ندارد و حتی این سؤال را مطرح کرد که رئیس دانشگاه‌ها وزرای قبلی چه کاری را برای حل این موضوع انجام دادند؟ به زعم وزیر ناامیدی در دانشگاه‌ها وجود دارد و این مسئله در سطح کشور نیز هست؛ هرچند اعلام کرد این ناامیدی به دلیل مسائل اقتصادی در کشور است، اما این پاسخ قانع‌کننده‌ای از سوی یک مسئول نبود، ما هم قبول داریم که بعضی از ناامیدی‌ها ناشی از مسائل اقتصادی است اما رئیس دانشگاه و وزیر علوم وظیفه دارند در عرصه امیدآفرینی کاری انجام دهند و فضا را بهتر رقم بزنند.»

اکبریان ادامه داد: «درواقع وزیر علوم مدام از پاسخ دادن مظره می‌رفت و به جای اینکه از دستاوردهای شش‌ماهه سخن بگوید فقط ماجرای دانشگاه تهران را بازگو می‌کرد که چه اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است. وزیر عنوان می‌کرد باید ارتباط‌مان با مردم قوی‌تر باشد اما این‌ها مسائلی نیست که در سطح وزیر علوم باشد و برای ما جای سؤال این بود که در این ۶ ماه دستاوردهای وزارت علوم چه بوده است؟ او گفت: «در این جلسه از راهبردهای وزارت علوم در عرصه‌های مختلف سؤال می‌شد اما پاسخی دریافت نمی‌کردیم که برنامه وزارت چیست. برداشت ما از صحبت‌های وزیر این بود که اتفاق خاصی در این مدت رقم نخورده است. یعنی وزیر فقط درباره مسائل منفی مانند کمبود بودجه، وضعیت نابسامان وزارتخانه و ماجرای دانشگاه تهران صحبت کرد.» دبیر واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل درباره فضای جلسه گفت: «فضای جلسه از سمت دانشجویان و تشکل‌ها خوب بود؛ البته تشکل‌هایی حضور داشتند که با نگرشی سطحی به مسائل حاشیه‌ای مانند کمیته انضباطی می‌پرداختند اما اکثر سوالات مجموعه‌های انقلابی مربوط به سوالات راهبردی و در زمینه‌های مسائل اقتصادی، علمی و فرهنگی بود. نکته دیگر اینکه وزیر علوم زمان اختصاص یافته برای پاسخگویی را به مشاور اقتصادی و معاون فرهنگی خود اختصاص داده بود، به‌طوری‌که وزیر درمجموع حدود ۱۰ دقیقه صحبت و آن هم مسئله دانشگاه تهران را مطرح کرد.» اکبریان خاطر نشان کرد: «اگر بخواهم به تیم وزارتخانه نمره‌ای بدهم عدد جالبی نخواهد بود، زیرا درباره عملکردهای شش‌ماهه این وزارتخانه چیزی شنیده نشد و صحبت‌ها هم کاملاً مایوس‌کننده بود.»

مناسبتی بودن جلسات با وزیر حس منفی به تشکل‌ها می‌دهد

می‌کند، گفت: «سؤالی که مطرح می‌شود این است که واقعاً این‌گونه جلسات چه خروجی دارند؟ یعنی اگر قرار باشد وزیر علوم هرچندوقت یک‌بار برای مناسبتی جلسه‌ای برگزار و یک موضوع خاص را تشریح کند هرچند که موجب می‌شود موضوع را از زاویه نگاه وزیر ببینیم اما نمی‌توان آن را جلسه‌ای برای شنیدن نکات و مشکلات تشکلی بنامیم. درواقع با مناسبتی بودن و فاصله افتادن زیاد بین جلسات قبلی و جدید، این حس ایجاد می‌شود که جلسات، دیگر جلسات تشکلی نیست. یعنی مناسبتی بودن این جلسات، کمی این حس را ایجاد می‌کند که ما تنها جلسه‌ای را می‌گذاریم و وظیفه‌مان را انجام داده و در فلان مناسبت هم توانستیم با تشکل‌ها یک جلسه داشته باشیم. یعنی حس می‌کنیم که این جلسات، به جلسات مناسبتی خاص تبدیل شده و خروجی جدی هم ندارد؛ چرا که درباره مسائل تشکل‌ها چندان گفت‌وگویی شکل نمی‌گیرد.» او ادامه داد: «مسئله‌ای که مطرح می‌شود این بوده نکاتی که در جلسه توسط وزیر علوم نوشته می‌شود چگونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جای فکر دارد که اصلاً چگونه این جلسات را برگزار کردیم، یعنی باید روی یک موضوع خاص باشد که قابلیت پیگیری هم داشته باشد. مشکلات فضای جلسه منجر به یک برایند منفی شده است. درواقع هر کدام از تشکل‌ها چنددقیقه‌ای صحبت کردند و وزیر علوم بیشتر به ماجرای قتل امیر محمد خاقلی پرداخت و همین مسئله باعث شد تا به نکات تشکل‌ها توسط وزیر علوم چندان پرداخته نشود. منگلی ادامه داد: «البته مسئله این است که بالاخره برگزاری چنین جلساتی از یک جهت‌هایی نسبت به وزارتخانه‌هایی مانند وزارت بهداشت که بخشی از آموزش عالی است، مزیت دارد؛ چرا که زیرا این وزارتخانه هیچ جلسه‌ای را برگزار نکرده و در تعامل با تشکل‌ها عملکرد خوبی نداشته است. در جلسه ۱۶ آذر هم نکاتی را نسبت به تعاملاتی برای برگزاری بهتر جلسات بیان کردیم که متأسفانه چندان توجهی به آن نکات نشده بود.»

هم گفتیم که دولت هنوز به خوبی جای‌نفته‌ام اما سؤال اصلی‌مان این بود که وزیر برنامه‌ای برای بازگشت استقلال به فضای دانشگاه‌ها دارد؟ وزیر علوم هم پاسخی به این سؤال به صورت ویژه نداد.» سیدنازاد تصریح کرد: «سؤال دیگری هم پرسیده‌شد و آن هم این بودعینکی که وجود دارد و از طریق آن مسئله سیاستگذاری در وزارت علوم دنبال می‌شود، چیست؟ یعنی وقتی بحثی سیاست‌ها اتخاذ می‌شود، خط کلی و آسیب‌شناسی کلی وزارت علوم از حوزه مدنظر چیست؟ این را هم پرسیدیم که معضل اصلی را در فضای کشور چه می‌دانند؟ وزیر یک‌سری مثال‌ها در برخی حوزه‌ها می‌زد که هیچ‌کدام از مسائل ما در پاسخ پرسیده شده، نبود. درحقیقت پاسخ سؤال را به صورت کلی هم دریافت نکردیم.» او با بیان اینکه در پایان جلسه هم یک گلایه از وزیر علوم بیان شد مبنی بر اینکه برخی هدایا به دانشجویان داده شد که هزینه قابل توجهی هم برای آن‌ها صورت گرفته بود، خاطرنشان کرد: «این مسئله برای ما عجیب بود؛ چراکه وزیر تأکید داشت وزارتخانه با مشکل مهم در حوزه بودجه روبه‌رو است و خیلی از مسائل را نمی‌تواند جلوبرد، البته بدیهی است که این هدایا تأثیر چندانی در هزینه جاری وزارتخانه ندارد اما نشان‌دهنده یک رویکرد در هزینه‌کرد بیت‌المال است. درحقیقت این مسئله برای ما موضوع بود که برای چه باید به دانشجویان این‌گونه هدایا داده‌شود؟ ما از این مسئله انتقاد کرده و درخواست کردیم تا این تبدیل به رویه نشود. وزیر علوم عنوان کرد نمی‌دانست چنین اتفاقی رخ داده و اگر می‌دانست جلوی آن را می‌گرفت و امیدواریم که این‌گونه اتفاقات در جلساتی که دانشجویان با مسئولان دارند تکرار نشود.»